

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

پیکار پامیر - تورنتو

۰۹.۰۶.۰۹

پاکستانیها چگونه از اوضاع سوءاستفاده مینمایند؟

مقامات پاکستان اخیراً طی یک دیدار رسمی از کاخ سفید اعتراف کردند که آنها سازنده و به وجود آورنده "طالبان" بوده اند. این اعتراف البته کدام نکته جدیدی را در خود نهفته ندارد، زیرا هم مردم افغانستان و هم مردم جهان میدانند و میدانستند که طالبان (به شمول طالبان افغانی - پاکستانی، ازبکستانی، چینی، چینی و تروریستهای القاعده به رهبری بن لادن و...) به اساس برنامه های خاص چند کشور شناخته شده در خاک پاکستان و با دستگیری نزدیک و مستقیم مقامات نظامی آن کشور گرد آورده شده، تمرین دیدند، تسلیح شدند و برای نخستین بار در سال ۱۹۹۵ میلادی رسماً از طریق کویته به خاک افغانستان گسیل گردیدند که داستان غم انگیز آن به همه روشن است. آنچه در اعتراف اخیر مقامات پاکستان تازگی دارد، اینک، اعتراف رسمی و عریان است که خلاف سالهای قبل و پس از انکارهای مکرر آنها صورت می پذیرد.

به هر حال، منظوری از تذکر این نکته اینست که ما از همان وهله اول سوق و اداره گروه طالبان در سال ۱۹۹۵ میلادی از خاک پاکستان به سوی افغانستان، به عمق این پدیده ننگین روزگار خویش پی برده و با صراحت تمام گفته بودیم که طالبان لشکر مزدور پاکستان هستند.

اکنون نیز صراحتاً به عرض میرسانیم که احیاء، تقویت، گسترش و تقابل مسلحانه طالبان پس از سرنگونی شان در ماه اکتوبر سال ۲۰۰۱ میلادی در افغانستان که در سالهای اخیر صورت گرفت و ظاهراً آنسوی خط "دیورند" را نیز متاثر گردانیده اند، به غیر از دنباله همان برنامه های مزورانه، خصمانه و سودجویانه متخصصین نظامی پاکستان، عربستان سعودی، انگلیس و آمریکا در منطقه نخواهد بود. شاید حلقاتی در کشور های ذکر شده وجود داشته باشند که بخواهند گروه طالبان کاملاً سرکوب و نابود ساخته شوند، و اما، سر نخ اصلی در کف حلقات توانمند و تصمیم گیرنده دیگری است که زنده شدن و جنگیدن "طالبان" و تداوم معضلات مسلحانه را به خاطر رسیدن به هدف های از قبل تعیین شده مفید و ضروری می پندارند.

یکی از این حلقات قدرتمند، خطرناک و تصمیم گیرنده در بناگوش افغانستان (پاکستان) قرار دارد که در پیوستگی تنگاتنگ با حلقات سایر کشور های دخیل در قضیه، میخواهند شعله های جنگ و هنگامه "طالبان" را مشتعل نگهدارند، چنانکه تا کنون مشتعل هم نگهداشته اند.

هر چند مشکل است به عمق فاجعه ناشی از برنامه های منطقه ای قدرتهای شیطانی آگاهی کامل یافت، و اما با اتکاء به سیر اوضاع، منطق سیاسی و خرد انسانی میتوان گفت که احتمالاً قدرت هائی که رشته سرنوشت سیاسی و جغرافیائی ملت ها و از جمله، ملت در خون تپیده ما را اندر کف خویش محکم گرفته اند، نهایتاً یک تغیر و تحول منفی جغرافیائی در منطقه ما را مدنظر داشته باشند.

چنانکه طراحان اصلی (گلوبالیزیشن) یا جهانی سازی سرمایه ، " ضرورت تقسیم و تجزیه کشور ها " و " عبور از میان خون و آتش " برای رسیدن به هدف بالا را پنهان هم نکرده اند . تجربه نشان داده است که قدرت های بزرگ استعماری غرض دست یابی به هدفهای تعیین شده جهانی و منطقه ئی خویش ، تلاش و تمهید چندین ساله را مدنظر می گیرند تا از این طریق بتوانند اذهان عامه و بستر مادی تطبیق برنامه های شان را آماده بسازند که دامن زدن به تند روی های مذهبی ، گسترانیدن خرافه ها ، تقابل قومی و زبانی ، غامض سازی مسایل سیاسی ، پرورش مزدوران بروکرات ، سرکوب احساسات ملی گرائی و وطنپرستی ، ایجاد کانون های فساد اخلاقی و اداری ، کشتن غرور و وقار شخصی و ملی ، جلوگیری از ایجاد نظام های دموکراسی واقعی ، جلوگیری از صنعتی شدن کشورها و پخش و ترویج اندیشه های رجعت گرایانه و سد سازنده و . . . و . . . از زمره همین نوع تلاشها و تمهید ها به حساب می روند .

پس ، دست اندرکاران قدرتمند جهان در قدم اول، به مزدوران نوع طالبی و بنیادگرا های قسی القلب فکری و مذهبی که از کشتن و دریدن و خون ریختن و ویران کردن اندکترین شرم و باکی نداشته باشند، اشد نیاز دارند،(مشروط بر آنکه صاحب شان را نگزند) . زیرا چنین نیروئی را به آسانی میتوانند در هر جا و هر زمانی که خواسته باشند به کار گمارند .

یکی از عوامل عمده تداوم جنون طالبان و موازی بدان، هنگامه نا امنی ها ، تطبیقات نظامی نیرو های خارجی و سرازیر شدن هزاران سر باز سلاح به دست اروپائی و امریکائی به خاک افغانستان و صدها مصیبت دیگر در همین نکته نهفته میباشد .

مطالبی در همین اواخر به نشر رسید که بیانگر تلاش های رذیلانه و خطر آفرین سر دمداران عربستان سعودی ، به ویژه شهزاده ترکی الفیصل رئیس شبکه استخبارات آن کشور بود. آنچه را این مطلب افشاء میکرد ، مصارف گزاف میلیارد ها دالری عربستان سعودی به خاطر ایجاد گروه های مذهبی ، تروریستی و بنیادگرائی است که به منظور گسترش وهابیت در جهان و رسیدن به ذخایر منابع طبیعی کشورهای دیگر تا حال صورت گرفته و می گیرد. پس، وقتی مقامات سعودی حاضر می شوند مصارف سر سام آورجنگی طالبان در افغانستان را متقبل شوند، وقتی ترکی الفیصل تنها طی یک سفر به قندهار، به تعداد چهارصد عراده موتر کاملاً جدید جاپانی و صدها ملیون دالر را در اختیار ملا عمر نوکر آخذ خود قرار می دهد ، مادامکه برای عبدالرب رسول سیاف چکهای سفید عنایت میکنند و بالاخره وقتی در همین شب و روز، میزبان همان طالبان مزدور و هیأت بی صلاحیت حکومت کابل غرض پیوند دادن آنها و پیشبرد مقاصد شوم ضد تمدنی شان میشوند، هموطنان و همزبانان عزیز ما میتوانند تا حد زیادی به کنه موضوع برسند .

و اما پاکستان : نظامیان و سیاست مداران پاکستانی با در دست داشتن جلو طالبان و سایر تروریستها، میخواهند بازیهای چندگانه آتی را انجام دهند:

الف) استفاده از گروه طالبان وسایر تروریست ها برضد منافع افغانستان و جلوگیری از تأمین صلح و امنیت و دوباره سازی کشور ظاهراً تحت عنوان " جهاد علیه کفار "

ب) استفاده از گروه های طالبی و تروریستی علیه هندوستان روی قضیه کشمیر تحت نام جنگ " با هندو ها " بدون آنکه خود متقبل زیان جانی و مالی شوند .

ج) استفاده از موجودیت طالبان و زد و خورد های غالباً ساختگی و تاکتیکی درجهت سود جوئی مادی از ایالات متحده و کشورهای جهان .

پاکستان، علاوه از سوءاستفاده های عظیم مالی و سیاسی در قبال جهاد خونین مردم افغانستان ، حتا از سال ۲۰۰۱ میلادی تاکنون بیشتر از دوازده میلیارد دالر به عناوین مختلف و ظاهراً به خاطر " همکاری " در سرکوب " تروریسم " و " طالبان " به دست آورده است .

و اخیراً هم ، به اساس ستراتژی جدید باراک اوباما رئیس جمهوری امریکا، پنج اعشاریه پنج میلیارد دالراز امریکا و به همان اندازه از جاپان و سایر کشورهای های گیتی تا پنج سال آینده به دست خواهد آورد. به معنای دیگر، به اصطلاح جنگ با طالبان لااقل تا پنج سال آینده نیز تداوم خواهد داشت .

تا اینجا چنین استنباط می شود که پاکستان با ایجاد طالبان و پرورش گله های تروریست در خاک خویش تا کنون منفعت های بزرگ مادی و سیاسی به دست آورده و شاید پس از پنج سال هم تاکتیک های جدیدی را اندرین راستا به کار گیرد که برایش سود آور باشد. در بحبوحه اینهمه بازیها و سازشها، تنها جانب ملت افغانستان است که پیوسته متضرر میگردد. مساعدتهای پر سر و صدای مالی که در چند سال اخیر به افغانستان صورت گرفته، کلاً به کیسه مؤسسات خارجی، نمایندگی های مربوط به دونه ها یا همان مساعدت کننده ها، شخصیت های جهادی و تنظیمی، بوروکراتهای دولتی و متنفذین داخلی و خارجی سرازیر گردیده نه به جیب اکثریت فقیر، محروم و مظلوم ملت افغانستان و به همین دلیل است که روز تا روز درد بیکاری و بی روزگاری روح و تن مردم عزیز ما را عذاب میدهد.

آنچه افکار عامه منطقه و جهان را به خود مشغول داشته اینست که چرا مقامات امریکائی تاکنون موفق نشده اند تاکتیکها و بازیهای دیپلماتیک و فریبنده مقامات پاکستانی را درک کنند؟

مثلاً، مادامکه ثابت گردیده است طالبان را پاکستانی ها ایجاد کرده و قبلاً در افغانستان به حاکمیت رسانیدند تا باخون ریزی های وحشیانه کلیه حقوق بشر، موازین دموکراسی و حیثیت ملی را صریحاً زیر پا گذارند، وقتی ثابت شد صد ها تن از جنرالان، سربازان و مخبران پاکستان در قندهار، کابل، قندوز، جلال آباد و سایر نقاط افغانستان در کنار طالبان قرار داشته و قبل از بمباران این شهر ها توسط طیاره های امریکائی، با استفاده از تاریکی شب توسط هلیکوپتر ها نجات داده شدند، وقتی مقامات پاکستان در آنهمه جنایات، آدمکشی ها و خرابکاریهای گسترده در افغانستان سهیم بوده اند، وقتی مخفیگاه های اصلی تروریسم و حمایتگران پر و پا قرص آنان باز هم در خاک پاکستان وجود داشته و دارد و بالاخره وقتی روزانه ده ها تن از نیرو های خارجی و به ویژه امریکائی در اثر بمباران و شلیک تفنگ و خمپاره و عمل انتحاری و غیره به کام مرگ می روند، چه دلیلی دارد که باز هم دولت امریکا به جای بازخواست و مجازات، وجه بیشتر از دوازده میلیارد دالر اضافی را به کیسه حکومت مداران پاکستانی می ریزد؟ باز، این چه اسراری است که امریکا، جاپان و سایر کشور های اروپائی وعده پرداخت ده میلیارد دالر دیگر را برای همان مؤلدين تروریسم تا پنج سال آینده میدهند؟ آیا این اقدامات و این سخاوتهای دریا دلانه یکبار دیگر برای دولت پاکستان این شانس را میسر نه می سازد تا برای نخستین بار ظرف شصت سال اخیر، با اتکاء به اجازه و فتوای دولت افغانستان و در همسویی حامیان بزرگ امریکائی و انگلیسی اش و ظاهراً به نام جنگ علیه طالبان، قبایل آنطرف خط تحمیلی " دیورند " را منکوب نماید؟ عملی که هرگاه در سالهای قبل صورت می گرفت موجب فریاد های (وا برادران پشتون و بلوچ!) جانب افغانی میشد. آیا این حرکات و این اقدامات در مناطق قبایلی عاقبت، باعث ایجاد یک " پشتونستان " یا یک " ایالت پختونخواه " به نفع جانب پاکستان خواهد شد؟ آیا زمره های قبلی ملا عمر جنایتکار و گلبدین بنیادگرا که گفته بودند، " اگر حکومت افغانستان ده ایالت پشتون نشین جنوب را در اختیار شان بگذارد، از جنگ منصرف خواهند شد " مقدمات چنین یک طرح خطرناک به نفع پاکستان را تشکیل خواهد داد؟ آیا طالبان پاکستانی به همین منظور و مقصد خاص مسلح و مستعد نشده اند؟ آیا مساعدت های مالی امریکا، عربستان سعودی، بریتانیا و جاپان در همین راه به مصرف خواهد رسید؟ و بالاخره آیا در قبال چنین بازیهای فریبنده سیاسی - نظامی - دیپلماتیک، جانب افغانی که سخت ضعیف و ناتوان گردیده است، بازنده ی اصلی خواهد بود؟ آیا منطقی خواهد بود که امریکا به افغانستان سربازتفنگدار سرازیر می کند، ولی در پاکستان که مهد پرورش تروریسم هم است، نه تنها یک تفنگدار پیاده نمیکند، بلکه دریائی از دالر و دینار را هم جاری میسازد؟ در افغانستان برای برگشت کنندگان بی سرپناه افغان حتماً خیمه و خوراکی تهیه نه میکنند، مگر برای " بیجا شدگان " پاکستانی به سرعت، هزاران خیمه منظم، آب آشامیدنی، مواد خوراکی، خدمات صحتی و کلیه وسایل مورد ضرورت انسانی یک شب در میان فراهم آورده می شود. مقامات پاکستانی، علی رغم حصول میلیارد ها دالر اضافی، هنوز هم از جهان تقاضای مساعدت فوری برای " بیجا شدگان " به عمل می آورند و تا آنجا در تقاضا و غدر و فریبکاری پیش می روند که اخیراً از مقامات امریکائی خواسته اند تا طیاره های بی پیلوت که از زمره

پیشرفته ترین امکانات کشف و شناسائی نظامی جهان به حساب می رود، در اختیار ارتش آن کشور
قرار داده شود. و اعجاباً!
ببین تفاوت ره از کجاست تا به کجا!! (پایان)